

هُوَ اللهُ - ای کنیز عزیز الهی، گمان منما که فراموش...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَ اللهُ

ای کنیز عزیز الهی، گمان منما که فراموش شدی همیشه در نظری و زحمات و خدماتت پیش بصر و بلایا و محن و محنت در خاطر و آوارگی و غربت آشکار و ظاهر لهذا از حق تأیید طلبم که معین و مجیر گردد و نصیر و دستگیر شود بلکه انشاء الله ایام باقیه را براحت و رفاهیت بگذرانی و بشارات الهیه مستبشر باشی و سبب سرور و حبور اماء رحمان باشی کل را بالطف و عنایات جمال مبارک متذکر داری و جمیع را بفیوضات ملکوت او مستبشر نمائی آن اماء رحمان جمعاً در این بساط عزیزند و در این ساحت مذکور و مشهور. عبدالبهاء سر باستان نهد و در ساحت کبریا عجز و لابه نماید و طلب عون و عنایت کند تا فیض مستمر گردد و فوز مشتهر شود جمیع را بحیث ابداع اهی از قبل عبدالبهاء جان و دل مسرور و مشعوف کن و علیک و علیکن البهء الأبهی

عع



ORIGINAL



AUDIO